

فضایل اخلاقی پهلوانان شاهنامه و بازتاب آن در ادبیات کودک و نوجوان

مینو چشم پاک^۱، آرش امرایی^۲، محمد شکرایی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور خرمشهر

^۲ استادیار دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر

^۳ استادیار دانشگاه پیام نور خرمشهر

چکیده

تربیت صحیح انسان از دوران کودکی آغاز می‌شود و هر آنچه کودک در این دوران می‌آموزد در دوره‌های بعدی زندگی حتی در بزرگسالی خود را نشان می‌دهد. آموزش بسیاری از عادت‌ها و رفتارهای صحیح به کودک با کمک شعر می‌تواند موثر باشد. بی‌شک شاهنامه از بی‌نظیرترین آثار شعر فارسی است. این کتاب سرشار از مفاهیم تربیتی و اخلاقی است و سده‌های طولانی چگونه زیستن را به خواننده‌ی خود آموخته است. فردوسی با وصف انواع فضایل و رذایل اخلاقی، بیان جنگ‌ها و پستی و بلندی‌ها شاهنامه را به یک قطب هنری بی‌سابقه تبدیل کرده است. یکی از این قشرهای مهم و اساسی این منظومه حماسی، پهلوانان هستند که دارای خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی ممتازی هستند. کودکان و نوجوانان با مطالعه‌ی احوال این پهلوانان علاوه بر آشنایی با فرهنگ و تمدن دیرین خود، احساسات ملی را در خود تقویت می‌کنند و اخلاق و منش و رفتار اجتماعی خود را اصلاح می‌کنند. این پژوهش که با روشی تحلیلی-توصیفی انجام گرفته است بر آن است تا مهمترین فضایل اخلاقی پهلوانان شاهنامه را بازگو و بازتاب آن را در ادبیات کودک و نوجوان همراه با شواهد شعری مشخص نماید.

واژه‌های کلیدی: فردوسی، شاهنامه، پهلوانان، ادبیات کودک و نوجوان، فضایل اخلاقی.

۱- مقدمه

در ادب فارسی تعالیم اخلاقی بازتاب گسترده‌ای در متون نظم و نثر فارسی دارد. مفاهیم اخلاقی در آثار بسیاری از نویسندگان زبان فارسی تا حدی است که می‌توان از آن‌ها به عنوان آیین‌های تمام‌نمای تعالیم اخلاقی یاد کرد. در این میان فردوسی نیز از این خصیصه مستثنی نبوده و اقوال و سخنان او تجلی‌گاه مفاهیم والای انسانی و اخلاقی است. شاهنامه فردوسی اثری حماسی است؛ اما آکنده از آموزه‌های اخلاقی چون دعوت به نیکی، تأکید بر خردورزی، دفاع از مظلوم، نکوهش ظلم، آز، دروغ، پیمان‌شکنی، تجاوز به حقوق دیگران و به‌طور کلی هر آنچه با بدی و زشتی پیوند دارد.

از زمانی که مسأله تعلیم و تربیت در زندگی انسان مطرح شده است، ادبیات کودکان و نوجوانان نیز همراه آن مطرح بوده است؛ به این صورت که بزرگسالان برای تغییر رفتار کودکان و اثرگذاری روی آن‌ها، داستان‌ها یا متل‌ها و یا سرگذشت تجارب خود را داستان‌وار به ایشان می‌گفتند و این واقعیت را دریافته بودند که این روش تربیتی از تربیت مستقیم یا اندرز دادن مستقیم موثرتر است؛ زیرا انسان به‌خصوص در دوران خردسالی، حکایات، افسانه‌ها و قصه‌ها را طبعاً دوست دارد و از محتوی آن‌ها متأثر می‌شود. امروزه بیش از هر زمانی کودکان و نوجوانان ما به قصه‌ها و افسانه‌های کهن که عموماً از ادبیات حماسی سرچشمه می‌گیرند، نیازمند هستند. آشفتگی ذهنی آن‌ها در مواجهه با انواع بازی‌های رایانه‌ای و انیمیشن‌های خشونت‌آمیز و بعضاً بی‌سروته بیگانه، اهمیت داستان‌های کهن را دوچندان می‌کند. سجایای اخلاقی از قبیل: گذشت، خرد، وفاداری، آزادگی، شجاعت، آشتی‌جویی، میهن‌پرستی و جوانمردی و... از دیرباز در هر فرهنگ و آیینی پسندیده بوده و کمتر نویسنده و شاعری پیدا می‌شود که در اثر خود از این سجایا و ارزش‌های اخلاقی نام نبرده باشد. استفاده فردوسی از این ارزش‌ها به گونه‌ای خاص است. فردوسی شخصیت‌های بزرگ شاهنامه را ابتدا با لباس زیبای عفت و پاکدامنی می‌پوشاند و وجود آن‌ها را به زیور مردانگی و جوانمردی مزین می‌کند تا زمینه‌ی ترویج ارزش‌ها و سجایای اخلاقی را در جامعه گسترش دهد در این اثرسترگ، ما با سرگذشت و زندگی بسیاری از شخصیت‌ها از جمله پهلوانان، آشنا می‌شویم، کسانی که عمیقاً دلبسته و پایبند به معیارهای اخلاقی و اعتقادی هستند؛ لذا در شاهنامه‌ی شریف نه تنها پهلوانان ایرانی، بلکه بعضاً پهلوانان تورانی و... سعی در حفظ شعائر پهلوانی و اخلاقی را دارند. این پژوهش برآن است تا مهمترین فضایل اخلاقی پهلوانان شاهنامه را بازگو و بازتاب آن را در ادبیات کودک و نوجوان همراه با شواهد شعری مشخص نماید.

۱-۲- پیشینه‌ی تحقیق

برای بحث پیرامون هر موضوعی چاره‌ای جز مراجعه به پیشینه‌ی آن موضوع در قالب کتب منتشره و مقالات علمی در آن زمینه نیست؛ لذا تحقیقاتی از آن منابع مورد ارجاع که نقشه‌ی راه را برای ما روشن ساخته با ذکر عنوان و نویسنده، برای آگاهی خوانندگان در این قسمت مورد اشاره قرار می‌گیرد.

- رساله‌ی دکتری «شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان»، ۱۳۸۹، دانشگاه فردوسی مشهد، مریم جلالی.

- پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد «جایگاه ادبیات داستانی در تربیت اخلاقی دوره ابتدایی»، ۱۳۹۲، دانشگاه کردستان، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی، شهلا دهقانی.

- پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد «بررسی ادبیات تعلیمی کودک و نوجوان در اشعار پروین اعتصامی، محمد تقی بهار، جبار باغچه‌بان، محمود کیانوش، عباس یمینی‌شریف»، ۱۳۹۲، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده‌ی ادبیات، فاطمه اکبر نتاج بیشه.

- پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد «بررسی و مقایسه مفاهیم اخلاقی و تربیتی در ادبیات کودک و نوجوان با تکیه بر آثار صمدبهرنگی، رضارنگذر، سیروس طاهباز و هوشنگ مرادی کرمانی»، ۱۳۹۱، دانشگاه پیام نور، مریم اخلاق عالی.

- مقاله «نقش ادبیات و الگوهای حماسی در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان»، ۱۳۷۸، مجله ماه کودک و نوجوان شماره ۲۲، مجموعه مقالات همایش ادبیات فارسی و تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان، دکتر غلامحسین شریفی.

- مقاله «اخلاق در شاهنامه»، ۱۳۹۵، نخستین همایش ملی ادبیات غنایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نیره شاطری، عطا محمد رادمش.

- مقاله «نقش قصه‌های حماسی در پرورش فکری کودکان»، ۱۳۹۴، دومین کنفرانس بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی تهران، دکتر علیرضا روزبهانی.

۲- مبانی نظری

۲-۱- ادبیات کودک

ادبیات کودک شاخه‌ای نازک اما پر بار از درخت تناور فرهنگ و ادب سرزمین ماست این نوع ادبی عهده‌دار رشد و پرورش فکری، علمی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، دینی و معنوی نوباوگان است. ادبیات کودک با وجود قدمت سنتی آن تا پیش از دوران مشروطیت غالباً حالتی شفاف و گذرا داشته و در اشکال عامیانه مانند لالایی‌ها، مثل‌ها، چیستان‌ها، بازی، سرودها و... تجلی می‌یافته است. ادبیات کودکان یکی از اقسام ادبیات است که به‌ویژه در زمینه‌های زبان آموزی، آموختن کلمات و واژه‌های جدید و نیز جمله‌سازی به کودک نقش مهمی دارد. ادبیات کودکان و نوجوانان به نوشته‌ها و سروده‌هایی اطلاق می‌شود که ارزش ادبی و هنری دارد و شامل کلیه مطالبی است که بدون آن‌که قصد آموزش مستقیم داشته باشد فکر، ذوق و عواطف کودکان را پرورش داده و سرگرمشان می‌کند. این نوشته‌ها چه داستان باشد و چه غیرداستان، چه نظم و چه نثر، در قالب کتاب ارائه شود و یا به صورت مجله و مواد دیداری - شنیداری ادبیات کودکان و نوجوانان خوانده می‌شود. (انوشه، ۱۳۷۵: ۱۶۴). برخی دیگر در این باره می‌گویند: «ادبیات کودک، مجموعه‌ی نوشته‌ها، سرودها و گفتاری است که از طرف بزرگسالان جامعه برای استفاده خردسالان فراهم آمده است.» (رازنی، ۱۳۷۰: ۲۲).

۲-۲- ادبیات تعلیمی

ادبیات تعلیمی یکی از انواع ادبی است که در ادبیات هر کشوری وجود دارد. دکتر سیروس شمیسا در تعریف ادبیات تعلیمی می‌گوید: «اثر تعلیمی، اثری است که دانشی (چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی و فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد.» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۸۵). در تعریفی دیگر آمده است: «شعر تعلیمی شعری است که هدف اصلی سراینده آن، آموزش و تهذیب اخلاق مخاطب است و در ادبیات مختلف ملل به دو گونه تظاهر پیدا کرده است؛ نوعی که موضوع آن تأکید بر خیر و نیکی است و حوزه اخلاق را شامل می‌شود و غرض آن القای نتیجه‌ای اخلاقی به خواننده است و اشعاری که به آموزش علم یا ادب می‌پردازد.» (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ۴۰۸).

۲-۳- علم اخلاق

اخلاق مجموع اصولی است که به تعالی انسان و حسن جریان زندگی نظر دارد و به اقتضای طبع خودگستره‌ای محدود دارد. اخلاق در دنیای گذشته بر وفق مصالح قدرتمندان بوده است؛ در حالی که ادبیات بزرگترین معترض ناهمواری‌ها در طی تاریخ بوده است. در ادبیات اولیه بشر موضوع اخلاق مطرح نمی‌شود به این دلیل که هنوز موضوع اخلاق به وجود نیامده است و اولین آموزه‌های اخلاقی را می‌توان در ادبیات حماسی یافت و افلاطون نخستین کسی است که بر ارزش اخلاقی در ادبیات تکیه می‌کند. (اسلامی‌ندوشن، ۱۳۵۵: ۳۳۳). صاحب کتاب «اخلاق ناصری» درباره‌ی موضوع علم اخلاق می‌گوید: موضوع این علم نفس‌انسانی بود از آن جهت که از او افعالی جمیل و محمود یا قبیح و مذموم صادر تواند شد به حسب ارادت او. (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۸).

۲-۴- فضایل اخلاقی

فضایلی هستند که بر اخلاق دلالت دارند و در حکمت عملی فارابی مهمترین جایگاه را دارند، این فضایل خواستار خیر و مبتنی بر فضایل فکری بوده اند؛ لذا می‌توان آن‌ها را بدین گونه تعریف کرد که این فضایل هیئت و استعداد‌های طبیعی هستند که بر اثر تکرار خیرات و افعال جمیله ایجاد شده است این فضیلت را معلم ثانی «فضیلت رئیسه» می‌نامد؛ زیرا در تحقق افعال فاضلانه دیگر فضایل حضور دارد. (مهاجر نیا، ۱۳۸۰: ۱۵۷).

۲-۵- ادبیات کودک و آموزه‌های تربیتی - اخلاقی

سال‌های نخستین یک کودک برای آموزش و پرورش مهمترین بخش عمر آن‌هاست. توجه به مقوله‌ی اخلاق و رشد اخلاقی کودکان، همواره یکی از اساسی‌ترین و زیربنایی‌ترین اهداف خانواده‌ها و نظام آموزشی بوده است؛ چرا که استحکام خانواده و تحقق آرمان‌های جامعه و اساس یک جامعه‌ی پویا و سالم در گرو تربیت انسان‌های فرهیخته، مسئول و اخلاق مدار است. توجه به امر تعلیم اخلاق در نظام آموزشی و استفاده از ادبیات کودک به منظور انتقال مفاهیم اخلاقی، ضرورت بررسی متون کتب کودک را بیش از پیش نمایان می‌سازد. بی‌گمان از دورترین روزگار، شعرا اگر شعری مناسب حال کودکان سروده‌اند، از اخلاق و تربیت آن‌ها غافل نبوده‌اند حتی اگر در اشعار خود از آوردن تعبیرات و کلمات دور از ادب، پروایی نداشته‌اند، آن‌جا که فرزند خود را خطاب قرار می‌دهند یا همه‌ی فرزندان ایرانی را، از جاده‌ی ادب و اخلاق خارج نشده‌اند و برای ارشاد و پندآموزی آنان کوشیده‌اند. «ما به تعلیم و تربیتی نیاز داریم که به کودکان مان کمک کند تا خود را بهتر بشناسند و برای خود احترام قائل شوند، با دیگران همدردی کنند، نشان دهند که به مسائلی که در جهان می‌گذرد اهمیت می‌دهند. از شگفتی‌های خلقت حیرت کنند، می‌توانند دوست داشته باشند و دوستشان داشته باشند و ابزار رسیدن به آن اهداف را بشناسند و فلسفه‌ای در زندگی داشته باشند تا به جهانی که در آن زندگی می‌کنند معنا دهند و جای خود را در آن بیابند.» (یاسایی، ۱۳۸۲: ۱۰).

۲-۶- پهلوانان و مضامین اخلاقی

دکتر کزازی در فصلی از کتاب خود با عنوان «منش و آرمان پهلوانی در شاهنامه» می‌نویسند: «شاهنامه‌ی فردوسی، بی‌هیچ گمان و گزافه، بزرگترین نامه‌ی پهلوانی در ادب جهانی است. پهلوانان بزرگ در شاهنامه والاترین ویژگی‌ها و ارزش‌های انسانی را باز می‌تابند و آشکار می‌دارند. ارزش‌هایی چون: داد، مردمی، راستی، باورمندی به دین، پایمندی به پیمان، جوانمردی، رادی، پرهیز از فریب و دروغ، پیراستگی از آز و خودپسندی، بیزاری از ترس و زبونی، میهن‌دوستی؛ کوتاه سخن، همه‌ی آن‌چه ارزش‌های انسانی و پهلوانی را می‌سازد؛ پهلوانان در شاهنامه همواره در بند نامند. نیرومندترین و کاراترین انگیزه‌ی رفتار و کردارشان نام است، برای نام می‌جنگند؛ حتی برای نام می‌میرند. اگر نام را از پهلوانی بستانند، آن پهلوان فروخواهد ریخت؛ از درون، ویران خواهد شد. پهلوان «شکسته نام» دیگر پهلوان نیست. چنین پهلوانی، اگر به تن زنده باشد، بی‌گمان به جان مرده است. «بی‌نامی» مرگ فرهنگی و ارزشی پهلوان را در پی خواهد آورد؛ مرگی که هزاران بار تلخ‌تر و دشوارتر از مرگ تن است. آن‌چه با نام نمی‌سازد، در جهان‌بینی پهلوانی، زشت‌ترین و پلیدترین است. به بهای زندگی، می‌باید از آن پرهیز کرد.» (کزازی، ۱۳۸۰: ۸۲).

۳- فضایل اخلاقی پهلوانان شاهنامه در ادبیات کودک

اهمیت رعایت فضایل و ارزش‌های اخلاقی توسط انسان و نقش آن در زندگی بر هیچ کس پوشیده نیست و پژوهش‌گران علم اخلاق همواره به جایگاه آن‌ها در سعادت و نیکبختی انسان و پیمودن مسیر هدایت الهی اشاره نموده و آدمیان را به پایبندی ارزش‌های اخلاقی دعوت کرده اند. قرآن کریم در آیات بی‌شماری موارد متعددی از آن‌ها را بیان و به داشتن التزام عملی و توجه به ارزش‌ها و فضایل اخلاقی سفارش نموده است. «بی‌گمان از دورترین روزگار، شعرا اگر شعری مناسب حال کودکان

سروده‌اند، از اخلاق و تربیت آن‌ها غافل نبوده‌اند. حتی اگر در اشعار خود از آوردن تعبیرات و کلمات دور از ادب، پروایی نداشتند، آن‌جا که فرزند خود را خطاب قرار می‌داده‌اند یا همه‌ی فرزندان ایرانی را، از جاده‌ی ادب و اخلاق خارج نشده‌اند و برای ارشاد و پندآموزی آنان کوشیده‌اند. ظاهراً این سنت پسندیده را نظامی درخمسه بنیان نهاده و دیگری چون ابن یمن با «قطعه» و عبدالرحمن جامی با «مثنوی» و فتحعلی خان صبای کاشانی با «قصیده» و عبرت نایینی با «غزل» و ملک‌الشعرای بهار با «چهاربازه» به آن پرداخته و از آن پیروی کرده‌اند. (موسوی گرمادودی، ۱۳۸۰: ۱۳۶). در شاهنامه فردوسی برای پهلوانان ویژگی‌هایی ذکر شده است که در اشعار او کاملاً نمایان می‌باشد که این ویژگی‌ها گوناگون و مختلف است که از تفکراسلامی و نشأت گرفته از آموزه‌های قرآنی و سنت می‌باشد.

۳-۱- شجاعت و دلاوری

دلاوری ویژگی برجسته و حتمی پهلوانان حماسه است. نبرد با نیروهای فرا طبیعی و جنگ با اژدها و دیوان و حیوانات خارق العاده، رویارویی با حریفان پر قدرت، مقابله با پدیده‌های پر خطر طبیعی، نظیر گذر از دریا و کوهستان در اسطوره و نیز حماسه امری عادی است که از سایه دلاوری و شجاعت قهرمانان میسر می‌گردد، قهرمان اسطوره و حماسه از این‌که به استقبال خطر برود، واهمه‌ای ندارد بلکه نقش چنین قهرمانانی در داستان‌ها پذیرش خطرات و جانفشانی است. رستم پهلوانی است که بخش پهلوانی شاهنامه در واقع شرح دلاوری‌ها و شجاعت‌های اوست.

بازتاب این ویژگی در ادبیات کودک عبارتند از:

- ◆ رستم می‌خندد: «تو هنوز پور دستان را نشناخته‌ای. توانایی این دست‌ها بیشتر از این است. بازوهایم را ببین، فرزندان من پهلوانم و پهلوان را از ریزش سنگ‌ها و خروش امواج و برق شمشیر باکی نیست. رستم ترس نمی‌شناسد که اگر بخواهی سنگ که نه، کوه را بلند می‌کنم و بر جایی دیگر می‌نشانم.» (صالحی، ۱۳۷۸: ۶۰).
- ◆ رستم را در نبرد همتایی نیست که بسیاری از پهلوانان چون نام رستم شنیدند، جنگ نکرده گریختند و بدان که رستم همان است که از هفت خوان گذشت و دیو سپید را بر زمین زد. (همان، ۷۰).
- ◆ اسم پهلوان سعید و پهلوان صادق، لرزه بر اندام نابکاران و کج‌رفتاران روزگار می‌انداخت. هر جا که آن‌ها قدم می‌گذاشتند و بوی نفس گرمشان می‌آمد، دست حرامیان از هر ستم و جفایی کوتاه می‌شد. (میرکیانی، ۱۳۷۶: ۳).

۳-۲- خردمندی

خرد، موهبتی است الهی که وجه ممیز انسان و دیگر موجودات است. از گذشته‌های بسیار دور، در اقوام مختلف همیشه خرد ستوده شده است و خردمند چشم و چراغ قوم خویش به شمار می‌آمده است در ایران نیز از کهن‌ترین زمان‌ها که آثار مکتوب به دست آمده، خرد اهمیت بسزایی داده شده است. خرد و خردمندی گوهر شاهنامه است. واژه‌ی خرد و خردمندی بیش از هر واژه‌ای دیگر در شاهنامه به کار گرفته شده است و واژه‌ی خرد در بیش از ۵۰۰ بار و واژه‌ی خردمند بیش از ۳۰۰ بار واژه‌ی خردمندی ۲۰ بار در شاهنامه ذکر شده است. (مهاجرانی، ۱۳۷۲: ۴۹). از خصوصیات بزمی پهلوانان در شاهنامه خردورزی و تدبیر آن‌هاست که باید از عقل و تدبیر بهره ببرند. پهلوانان شاهنامه از نگاه فردوسی انسان‌هایی چاره‌اندیش و مدبر می‌باشند که خردورزی رکن اصلی آن‌هاست.

این ویژگی یکی از خصائل پهلوانان شاهنامه است که در ادبیات کودک نمود فراوانی دارد.

- ◆ اگر بخواهید سر به هوا وارد میدان بشوید، سرهایتان را به باد می‌دهید. تا جایی که می‌دانم، این دو پهلوان، آدم‌های باهوشی هستند و به این راحتی دُم به تله نمی‌دهند؛ پس مبادا بی‌گدار به آب بزنید. (میرکیانی، ۱۳۷۶: ۷).

۳-۳- جوانمردی

شاهنامه، مبلغ آئین فتوت است. در شاهنامه انسان به گذشت و ایثار فرا خوانده شده است سهراب با آزاد کردن رستم به جوانمردی، پاسخی سزاوار می‌دهد، کاوه‌ی آهنگر پیشگام شورش مردم برضحاک می‌شود و با این کار از خودگذشتگی را به نمایش می‌نهد. ایرج با دلی مملو از ایثار و فداکاری به سراغ برادران می‌رود، پیران با جوانمردی از کشتن فرنگیس و خسرو جلوگیری می‌کند، سیاوش با رفتن در آتش جوانمردانه به پلیدی، پاسخی دندان‌شکن می‌دهد و بسیاری از پهلوانان شاهنامه با به خطر انداختن خویش برای رهانیدن دیگری، جوانمردی و فداکاری خود را در تاریخ ثبت کرده‌اند. چه پیمان‌شکنی در آئین خرد و پهلوانی و در نظام ارزش‌های ایرانی گناهی است عظیم و ناخوشودنی به گونه‌ای که تخطی در مجازات و عقوبت پیمان‌شکنی نیز گناهی بس عظیم و ناخوشودنی است. (مختاری، ۱۳۶۹: ۱۴۱).

مصادیق این ویژگی در ادبیات کودک عبارتند از:

◆ رستم فرزند شیردل ایران است و مرا با خویشان سرزمینم جنگ نیست. اینک فرستاده‌ای به سوی رستم می‌فرستم و او را به خود می‌خوانم. اگر او سر به فرمان نهد، به آسمان و زمین سوگند هرگز ستمی بر او روا ندارم و سخن درشت با او نگویم. (صالحی، ۱۳۷۸: ۵۸).

◆ رستم شانه‌ام را می‌فشارد و می‌گوید: «تو را چون فرزندم بزرگ می‌کنم، به تو نمی‌آموزم چگونه فرمانروایی کنی، به تو نمی‌آموزم چگونه خون پهلوانان بریزی، به تو می‌آموزم چگونه چون پهلوانان زندگی کنی و چگونه چون پهلوانان بمیری. آن چنان که اسفندیار مرد؛ نه آن چنان که من زندگی یافتم.» (همان، ۷۹).

۳-۴- پرهیز از رشک و حسد

این کلمه در دهخدا این‌گونه معرفی شده است: حسد، رقابت و حسادت (دهخدا، ذیل واژه)

این دیو، به صورت یک صفت ناپسند اخلاقی در شاهنامه مطرح شده است که اهریمن نیز به آن مبتلا است:

به رشک اندر آهرمن بدسگال همی رای زد تا ببالید بال

(فردوسی، ۱۳۷۴: ۲۹، ج ۱)

بغراندریش آتش رشک خاست به ایوان کمند اندر افکنند، راست

(همان، ۷۵، ج ۱)

مصادیق این ویژگی در ادبیات کودک این‌چنین است:

◆ «هر ستم که بر ما رفت از بیگانه نرفت، از آشنا رفت. این خشم و آز پدر بود که مرا این‌چنین خوار کرد.» (صالحی، ۱۳۷۸: ۱۰).

◆ زال دور می‌شود و ناگهان، شیطان شرور و شوم به درونم می‌خزد: «رستم را نابود کن! مرگ او پایان جنگ است. اسفندیار در امان می‌ماند و تاج و تخت گرشاسب از آن او می‌شود. این همه لشگرکشی برای که، این همه خونریزی برای که...؟ رستم را نابود کن.» (همان، ۶۰).

۳-۵- پرهیز از غرور و خودبینی

در شاهنامه خودپسندی و غرور از مظاهر شر و از آفات بزرگ فره ایزدی است در باور فردوسی غرور مانند خودکامگی یک دشمن درونی است که با وسوسه‌های نیروی اهریمنی برابر می‌زند و به عصیان و سرکشی خودبین منجر می‌شود. «غرور و

فراموش کردن بزرگی و برتری آفریدگار و کوشش برای دستیابی به نیروی فرا انسانی (خود خدانگاری) گناهی نابخشودنی است.» (دوست‌خواه، ۱۳۷۰: ۴۷). پهلوانان در شاهنامه از هر گونه تکبر و غرور خود را بری و پاک می‌کنند و عقیده دارند که برای پیروز شدن بر اهریمن‌ها در جنگ‌ها باید کبر و غرور باید تکبر و غرور و منیت‌طلبی را از وجود خود دور کنند و دست به دامن ایزد منان گردند. این ویژگی در ادبیات کودک و نوجوان بازتاب گسترده‌ای دارد:

◆ اسفندیار پیشتر می‌آید و می‌گوید: «به یاد بیاور که تو و نیاکانت همه از خدمت‌گزاران ما بودید و به یاد بیاور که سام، پدرت زال را برای سپیدی مویش در راه گذاشت و اگر سیمرغی آن بینوا را در میان بیابان پناه نداده بود، اینک بی‌گمان او نبود و تو نیز!» (صالحی، ۱۳۷۸: ۷۰).

◆ رستم می‌گوید: این دیو پلید (غرور) را از تن خود بیرون کن و از این اندیشه بگذر. رستم پشت می‌کند. زانو بر زمین می‌زند و سر به آسمان بلند می‌کند: ای یزدان می‌بینی که دیوی به سنگینی البرز در دل اسفندیار جای گرفته (همان، ۷۵).

۳-۶- صداقت و پرهیز از دروغگویی

در باور ایرانیان «شاه» (راستی) نیروی پایدارنده نظم و قانون جهان است. دروغ در اوستا نام ماده دیو دروغ، نادرستی و پیمان‌شکنی است که مظهر بی‌نظمی و بی‌قانونی در طبیعت و جهان است که بر ضد اهورامزدا و حق به کار گرفته می‌شود. پیرو دروغ بیهوده و تباه است. (بهار، ۱۳۸۱: ۴۵۸). بر اساس اعتقادات زرتشتی روان شخص دروغ‌گو به شدت مجازات می‌شود. در کتاب ارداویرافنامه درباره‌ی روان مرد دروغ‌گو چنین آمده است: «و دیدم روان مردی که کوهی را به پشت می‌کشید و در برف و سرما آن کوه را بر پشت داشت و می‌پرسیدم: این تن چه گناه کرد؟ سروش اهل و آذر ایزد گفتند: این روان آن مرد دروند است که در گیتی بسیار دروغ و سخن نادرست و بی‌سود درباره‌ی مردمان گفت و اکنون روان او چنین شکنجه و پاد افراه گرانی را تحمل می‌کند.» (ارداویراف‌نامه، ۱۳۷۲: ۷۰).

شایان ذکر است که همین چهره از اهریمن دروغ، وارد شاهنامه‌ی فردوسی گردیده است؛ یعنی به عنوان عملی اهریمنی:

هر آنجا که روشن بود راستی فرورغ دروغ آورد کاستی

(فردوسی، ۱۳۷۴: ۱۳۳، ج ۳)

در داستان رستم و اسفندیار، در اثنای یکی از گفتگوهای این دو پهلوان، هنگامی که اسفندیار سخنان رستم را تأیید می‌کند، فرصتی خوب برای شاعر فراهم می‌شود تا با عنایت به دستور قرآن دروغ را مبنای راه کج و عاقبت آن را تاریکی و بی‌فروغی «فَلَا تُطِيعِ الْمُكذِّبِينَ» (قلم/۸) که در منع پیروی از دروغگویان فرموده است بداند:

همه راست گفتی، نگفتی دروغ به کژی نگیرند مردان فروغ

سخن گفتن من شود بی‌فروغ شود پیش او چاره‌ی من دروغ

یکی چاره باید کنون ساختن دلش را به بد انداختن

(همان، ۱۳، ج ۳)

پهلوانان ایرانی همواره از دروغ پرهیز نموده‌اند و این ویژگی پسندیده در ادبیات کودک بازتاب زیادی دارد.

◆ اسفندیار آرام می‌گوید: «پس بدان که اینک زمان تو فرا رسیده است. از تو پرسشی دارم، به من گوش کن. اگر پاسخ درست بگویی، پادشاه بزرگی خواهی داشت و پادشاهی توران از آن تو خواهد شد. اگر دروغ بگویی، سوگند به آفریننده‌ی خاک و آفتاب که تو را به همین تیغ به دو نیم خواهم کرد.» (صالحی، ۱۳۷۸: ۱۵).

شکوه قاسم نیا شاعر معاصر کودک از زشتی دروغ‌گویی می‌گوید:

◆ بشقاب چینی افتاد / از توی دستم الان / شکست و صد تکه شد / وای چی بگم به مامان / دروغ بگم، نه زشته / می‌گم که کار منه / آخ اگه دعوا مکنه / قلب منم می‌شکنه. (قاسم‌نیا، ۱۳۷۷: ۱۲).

◆ اسفندیار می‌خروشد: «راست می‌گویی؛ ولی سپاه من نیز به راستی گفتار من گواهی می‌دهند.» (صالحی، ۱۳۷۸: ۶۷).

◆ بیا، بکوش و راستگوی باش

همیشه چون زبان آئینه

که پاک می‌شود دل تو نیز

به پاکی زبان چو جان آئینه

(کیانوش، ۱۳۹۲: ۴۰).

۳-۷- پرهیز از جنگ و کینه‌توزی

دعوت به دوستی و محبت و دوری از دشمنی و خصومت، نمونه‌های فراوانی در متون فارسی ما دارد. فردوسی در جای‌جای شاهنامه از زبان پهلوانان و قهرمانان ملی همواره طرف مقابل خود را از جنگ و خونریزی برحذر داشته‌اند و با زبان پند و نصیحت آنان را منصرف می‌کرده‌اند. در داستان نبرد رستم و اسفندیار، رستم بارها و بارها وی از جنگ کردن منع کرده است. این ویژگی پهلوانان شاهنامه از خصائل نیک و پسندیده به‌شمار رفته و در ادبیات کودک و نوجوان بازتاب گسترده دارد؛ و بر روی تربیت آنان نقش بسیار مثبتی دارد.

◆ اسفندیار جامه می‌درد: «به خون تو قسم یاد می‌کنم که تا پوزه‌ی دشمن را به خاک نمالم از پای ننشینم اینک جز کین فرشیدورد، به چیزی نمی‌اندیشم.» (صالحی، ۱۳۷۸: ۱۰).

◆ رستم گفت: «اسفندیار از سرانجام این کار می‌ترسم. این فکر شوم جنگ را از سرت دور بینداز! کینه از دلت بیرون کن ای سپهبد!» (همان، ۶۷).

◆ رستم به اسفندیار می‌گوید: «اسفندیار جوانی مکن! از یزدان بترس و از اندیشه‌ی جنگ برگرد. دیروز که از میدان رفتیم جز مرگ تو به چیزی نمی‌اندیشیدم؛ اما اکنون زانوانم خرد و دستانم بریده باد، اگر برای جنگ با تو آمده باشم، تو را سوگند می‌دهم به یزدان پاک! از این جنگ بگذر. با تو نزد گشتاسب می‌آیم و انجا او هر چه گوید همان خواهد شد.» (همان، ۷۴).

◆ رستم پشت می‌کند. زانو بر زمین می‌زند و سر به آسمان بلند می‌کند: ای یزدان می‌بینی که دیوی به سنگینی البرز در دل اسفندیار جای گرفته. می‌بینی که همه راه‌ها را بر من بسته و خود نیز قدمی به پیش بر نمی‌دارد؛ پس تو ای آسمان و تو ای خورشید، در این میدان گواه باشید که او سر جنگ دارد نه آشتی و جز مرگ من به چیزی نمی‌اندیشد. (صالحی، ۱۳۷۸: ۷۵).

۳-۸- وفای به عهد

یکی از ارزش‌های اخلاق اسلامی در قرآن وفاست. وفا بیشتر همراه با قید عهد ذکر می‌شود. در آیه‌ی ۳۴ سوره اسراء می‌خوانیم وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا: به عهد خود وفا کنید؛ زیرا در مورد عهد سؤال خواهد شد. وفادار ماندن و پایبندی به پیمان، از اصول اخلاقی اسلام و در شمار آیین جوانمردی است. رعایت آیین اصیل اخلاقی موجب استحکام ارتباطات اجتماعی

افراد جامعه و تقویت حس اعتماد به دیگران می‌شود. در بینش حکیم ما، قهرمانانی که پایبند به پیمان و عهد می‌باشند افرادی ستوده و قابل احترام هستند و این موضوع را در مورد شاهنامه شخصیت اصیل منظومه‌اش به دفعات مشاهده می‌کنیم. همه‌ی پهلوانان شاهنامه وفاداری به عهد و پیمان را نشانه‌ی جوانمردی و پهلوانی می‌دانند و پیمان‌شکنی را گناهی نابخشودنی و ننگی بزرگ به شمار می‌آورند؛ مهم نیست با چه کسی پیمان بسته می‌شود، مهم خود پیمان است که باید محترم شمرده شود؛ حتی اگر این پیمان با دشمن بسته شده باشد. مصادیق این ویژگی در ادبیات کودک عبارت‌اند از:

- ◆ گشتاسب زانو می‌زند: «با یزدان پیمان بسته‌ام که چون به خانه بازگردم، تاج و تخت را به تو بسپارم من در پایان راهم فرزند و مرا جز به مهر تو، نیازی نیست.» (صالحی، ۱۳۷۸: ۱۰).
- ◆ پیمان بسته‌ام و همراهت خواهم بود؛ اما این را بدان که همیشه کوتاه‌ترین راه نزدیک‌ترین نیست. (همان، ۲۱).
- ◆ پهلوان صادق، دستی به شانه شمس زد و گفت: «راه و رسم جوانمردی، دل به خدا سپردن و در خدمت خلق خدا بودن است. آیا می‌توانید پیمان ببندید با این راه و رسم تا آخر، همراه من باشید.» (میرکیانی، ۱۳۷۶: ۱۱).
- ◆ پهلوان صادق این بار چنان فریاد کشید که اسعد جا خورد: «گفتم که به خودت بیا جوانمرد! تو سال‌ها نان و نمک پهلوان سعید را خورده‌ای. سال‌ها زیر بال و پرت را گرفته است تا به به اینجا رسیده‌ای. آن وقت با او این طور از سر ناسازگاری وارد می‌شوی؟» (همان، ۲۹).

۳-۹- صلح طلبی

صلح‌طلبی همواره یکی از موضوعاتی است که فردوسی در جای‌جای شاهنامه به آن اشاره کرده است. قبل از جنگ و خونریزی پهلوانان طرف مقابل را ابتدا دعوت به صلح و آرامش می‌کرده است. خواه این دعوت به صلح را می‌پذیرفت خواه نمی‌پذیرفت؛ آنان بر ایجاد صلح پافشاری می‌کردند. این ویژگی صلح‌طلبی در ادبیات کودک نیز بازتاب دارد و کودکان از طریق شعر و داستان با آن آشنا شده و آن را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دهند.

◆ رستم به اسفندیار می‌گوید: «اسفندیار جوانی مکن! از یزدان بترس و از اندیشه‌ی جنگ بگرد. دیروز که از میدان رفتم جز مرگ تو به چیزی نمی‌اندیشیدم؛ اما اکنون زانوانم خرد و دستانم بریده باد، اگر برای جنگ با تو آمده باشم. تو را سوگند می‌دهم به یزدان پاک! از این جنگ بگذر. با تو نزد گشتاسب می‌آیم و آنجا او هر چه گوید همان خواهد شد.» (صالحی، ۱۳۷۸: ۷۴).

◆ خشکی و سیاهی از زمین ما

رفت و دور و ناپدید مثل آه شد

خاک شد سفید و آفتاب

آمد و جهان دوباره رو به راه شد

(کیانوش، ۱۳۹۳: ۱).

◆ اسعد از برخورد فردوس جا خورد و به او چشم‌گره‌ای رفت و گفت: «اصلاً معلوم هست که شما چه می‌گویید؟ آمدید جنگ کنید یا صلح؟» (میرکیانی، ۱۳۷۶: ۲۰).

۳-۱۰- عدالت خواهی

عدالت در لغت به معنی دادگری و انصاف داشتن است. (معین، ذیل واژه). دعوت انسان‌ها به برقراری عدل و داد و پرهیز از ظلم و ستم، علاوه بر کتب دینی ما، شواهد بسیاری در میان آثار ادبی نیز دارد. عموماً عدالت در ایران باستان مقام بسیار جلیلی داشته و از زمان هخامنشیان قرائین کافی در دست هست که پادشاهان جداً مراقب حسن جریان قوه‌ی قضایی و درستکاری قضات بوده‌اند. در زمان ساسانیان هم نام قاضی احترام بسزا داشته و مردمان مجرب و عادل را بر مسند قضا می‌نشانند. (کریستنسن، ۱۳۸۷: ۲۹۹). ارزش‌های اخلاقی که ریشه در فطرت انسان‌ها دارد و فطرت در همه انسان‌ها مشترک است. در

پهلوانان شاهنامه نیز ارزش‌های اخلاقی مانند راستی و عدالت‌گستری موج می‌زند. از دیدگاه فردوسی پهلوانان شخصیت‌های کمال یافته هستند که همگی نیکوکار و عدالت‌خواه هستند و بر اساس راستی و انصاف عمل می‌کردند. مصادیق آن در ادبیات کودک عبارت‌اند از:

◆ بایا را دوست دارم
چون بوی شعر می‌دهد

دنیا را دوست ندارم
اگر توی خیابان گدا نبود
اگر توی پارک‌ها پیر نبود
دنیا هم بوی شعر می‌داد.
(مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۰).

◆ شعرهای خوبی و بدی
قصه‌های مهر و دشمنی
شعر و قصه جهان و زندگی
آشنائی هر فقیر و هر غنی
(کیانوش، ۱۳۹۳: ۱۱۴).

۴- تحلیل تأثیر فضایل اخلاقی پهلوانان شاهنامه در ادبیات کودکان و نوجوانان

یکی از دلایل ماندگاری شاهنامه و پذیرش مطالب آن این است که شاهنامه تنها شرح جنگ‌ها و توصیف صحنه‌های نبرد و دلآوری پهلوانان نیست؛ بلکه فردوسی در کنار مسایل حماسی به علم و فرهنگ اخلاق و هنر هم توجه داشته و آن‌ها را در ایران باستان و باورهای مردم بیان کرده و تأثیر آن را بر جامعه بشری نشان داده است. قهرمانان داستان برای داشتن فضیلت‌های نیک تلاش می‌کنند. توازن بین راستی و عظمت و بیان ظرافت‌های اخلاقی و خصوصیات بارز درون انسان‌ها واحساسات بزرگ مردان تاریخ و تحمل مصائب برای رسیدن به مرحله انسانیت این اثر را به اثری ماندگار تبدیل کرده است. یکی از راه‌های آشناسازی کودکان با اخلاق و سجایای پسندیده افسانه‌های تاریخی است؛ مانند داستان‌های افسانه‌ای پهلوانان شاهنامه. «از افسانه‌سرایی به عنوان یکی از ابزارهای تربیتی استفاده می‌شود و به‌طور غیرمستقیم پندها و نکات لازم به کودکان گوشزد می‌شود و کودکان در افسانه‌ها با نیکوکاران که پیروز شده‌اند و اشرار و پلیدان که شکست خورده‌اند روبرو می‌شوند آن‌ها می‌آموزند که درستکار باشند و از خطا و گناه پرهیز کنند تا عاقبتی نیکو نصیبشان شود کودک درک می‌کند که چگونه قهرمان افسانه با تکیه بر قوای عقل و تدبیر بر مشکلات و پلیدی‌ها پیروز می‌شوند. اگر جهان سراسر شر است می‌توان در خیال به جهانی اندیشید که مظهر خوبی‌هاست و آن را باور کرد و سعی کرد که جهان را همان‌گونه ساخت.» (قزل‌ایاغ، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

آثار معتبر ادبی کهن، بیان‌گر ارزش‌های انسانی، فرهنگی، اخلاقی ایرانیان در دوران گذشته هستند. با توجه به این که این آثار بر پایه ویژگی‌های سبکی و زبانی دوران کهن به نگارش درآمده‌اند؛ مطالعه و دریافت بسیاری از مفاهیم آن‌ها برای مخاطبان معاصر به‌ویژه کودکان دشوار به نظر می‌رسد. امروزه ضرورت استفاده از این ذخایر عظیم ادب فارسی مورد توجه نویسندگان بسیاری قرار گرفته است. از جمله شیوه‌هایی که زمینه آشنایی و استفاده کودکان از گنجینه‌های ادبی و فرهنگی را فراهم می‌کند، بازنویسی این آثار به زبان امروزی است. آثار بازنویسی شده از متون کهن فارسی برای کودکان که کانون آموزش درون‌مایه‌های ملی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی هستند، ضمن سرگرمی و لذتی که برای کودکان فراهم می‌آورند می‌توانند آنان را با این مسائل آشنا سازند. بررسی اصول و چارچوب آثار بازنویسی شده و این که تا چه اندازه در ارائه مسئولیت خویش موفق بوده‌اند از مسائلی است که بررسی و نقد علمی آن‌ها می‌تواند به ادامه سالم و علمی این روند کمک نماید. در واقع داستان‌ها بستر مناسبی هستند تا کودک به‌طور غیرمستقیم، از طریق موقعیت‌ها و شخصیت‌های آن، شناخت و بینش درستی نسبت به

رفتار خود به دست آورده و به تدریج در تعدیل و رفتار ناهنجار خود بکوشد. با این امید که کودکان این مرز و بوم همواره از رفتارهای پسندیده‌ی پهلوانان شاهنامه درس بگیرند و آن خصائل را سرلوحه زندگی و آینده خود قرار دهند.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در شاهنامه فضایل اخلاقی پهلوانان متنوع و چشمگیر است. پهلوانان و قهرمانان داستان‌های حماسی، همراه با آراء و عقایدشان یادگاری از فرهنگ و تمدن یک ملت‌اند که از گذشته‌های بسیار دور باقی مانده‌اند. مهمترین خصوصیت ادبیات کودک و نوجوان این است که مخاطبان آن را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند. این مخاطبان به طور کامل و گسترده از معلومات و آموزه‌های اخلاقی می‌توانند بهره ببرند؛ اما با آموزش صحیح و مشخص کردن مکان‌ها و تألیفات ویژه‌ی این گروه است که نتیجه به دست می‌آید. پرداختن به موضوعات اخلاقی در ادبیات کودک، با توجه به برخوردار بودن از کارکردهای تربیتی، اخلاقی و اجتماعی از ارزش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پهلوانان در شاهنامه دارای ویژگی‌های انسانی و اخلاقی هستند که هر کدام آن‌ها را در خود پرورش داده‌اند. پهلوانان ایرانی شاهنامه فردوسی به عنوان مروجان اخلاق و تربیت و دین بهی معرفی می‌شوند. پای‌بندی اخلاقی پهلوانان و خصوصا قهرمانان این اثر حماسی آراسته به صفات اخلاقی برتر بوده‌است.

فهرست منابع

۱. اسلامی‌ندوشن، محمدعلی. (۱۳۵۵). جام‌جهان بین، چاپ چهارم، تهران: نشر توس.
۲. انوشه، حسن. (۱۳۷۵). دانشنامه ادبی فارسی، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه.
۳. بهار، مهرداد (۱۳۸۱). پژوهشی در اساطیر ایران، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آگه.
۴. دوست‌خواه، جلیل. (۱۳۷۰). اوستا، چاپ اول، تهران: انتشارات مروارید.
۵. رازنی، بهمن. (۱۳۷۰). پژوهشی اجمالی در زمینه ادبیات کودکان، تهران: نشر روشن فکران. رستگارفسایی، منصور (۱۳۷۲). انواع شعر فارسی، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
۶. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). انواع ادبی، تهران: باغ آئینه.
۷. صالحی، آتوسا. (۱۳۷۸). قصه‌های شاهنامه، اسفندیار رویین تن، چاپ سوم، تهران: نشر افق.
۸. طوسی، خواجه‌نصیرالدین (۱۳۷۳). اخلاق ناصری، به تصحیح مجتبی‌مینوی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات خوارزمی.
۹. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۴). شاهنامه، چاپ مسکو، به کوشش سعیدحمیدیان، تهران: دفتر نشر داد.
۱۰. قاسم‌نیا، شکوه. (۱۳۷۷). به خاطر خروسه، تهران، بنفشه.
۱۱. قزل‌ایاغ، ثریا. (۱۳۸۹). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
۱۲. کریستنسن، آرتور (۱۳۸۷). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشیددایمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات نگاه.
۱۳. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۰). مازهای راز، جستارهایی در شاهنامه، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
۱۴. کیانوش، محمود (۱۳۹۳). بچه‌های جهان، چاپ چهارم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان.
۱۵. کیانوش، محمود (۱۳۹۲). زبان چیزها، چاپ چهارم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان.
۱۶. مختاری، محمد. (۱۳۶۹). اسطوره‌ی زال، تهران: انتشارات آگه.
۱۷. مصطفوی، صوفی (۱۳۸۰). شاعر قاصدک‌ها و راوی آینه‌ها، تهران: نسیم دانش.
۱۸. موسوی‌گرمارودی، سیدمصطفی. (۱۳۸۰). شعر کودک از آغاز تا امروز، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. مهاجرانی، عطاالله. (۱۳۷۲). حماسه‌ی فردوسی، تهران: نشر موسسه اطلاعات.

۲۰. مهاجر نیا، محسن. (۱۳۸۰). اندیشه‌ی سیاسی فارابی، چاپ اول، قم: انتشارات بوستان.
۲۱. میرکیانی، محمد (۱۳۷۶). اشک پهلوان، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۲۲. یاسایی، مهشید. (۱۳۸۲). قصه‌گویی در کلاس درس، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

Ethical virtues of the Shahnameh's epical heroes and their reflection in the literature of the child and adolescence

Minoo cheshm pak¹, Arash Amraee², Mohammad Shokraee³

¹ M.A. student of Farsi Language and Literature of Khoramshahr P nu.

² Assistant Professor of Khoramshahr Science and Technology University

³ Assistant Professor of Khoramshahr pnu.

Abstract

Human right Upbringing begins from childhood and everything that the child learns in this period will show up in later life even in adulthood. Learning a lot of good habits and behaviors for the child with the help of poetry can be effective. Undoubtedly, the Shahnameh is one of the most impressive works of Persian poetry. This book is full of educational and moral concepts and has long taught the readers how to live. Ferdowsi has transformed the Shahnameh into an artistic pole with a description of all sorts of virtues and rascalities, wars, ups and downs. One of the most important parts of this epic poem is the heroes who have outstanding moral qualities and attributes. By studying these epical heroes, children and teenagers, in addition to familiarizing themselves with their ancient culture and civilization, enhance national emotions and correct their morality and social behavior and behavior. This research, which has been conducted with an analytical-descriptive method, aims to elucidate the most important ethical virtues of the Shahnameh's champions and its reflection in the literature of the child and adolescents along with the poetic evidence.

Keywords: Ferdowsi, Shah Nameh, Heroes, Childrens literature, Moral individualities.
